

ORIGINAL ARTICLE

Comparative analysis of the similes structure of Nizami's Makhzan-Al Asrar and Abdi Beyg shirazi's Mazhar-Al Asrar

Alireza Nabilou¹, Mahdiyye Ghasemi²

1. Professor of Persian Language and Literature, University of Qom, Iran
2. Master's degree in Persian Language and Literature, University of Qom, Iran

Correspondence:
Alireza Nabilou
Email: dr.ar_nabiloo@yahoo.com

Received: 11/Nov/2024
Accepted: 28/Jan/2025

How to cite:

Nabilou, A.; Ghasemi, M. (2023). Comparative analysis of the similes structure of Nizami's Makhzan-Al Asrar and Abdi Beyg shirazi's Mazhar-Al Asrar, Applied Rhetoric and Literary Criticism , 16 (2), 1-17.
(doi.org/10.30473/prl.2023.68510.207)

ABSTRACT

In this article, Makhzan al asrar & Mazhar al asrar's Similarities investigated and Categorize In terms of Subjective and structure The pillars and the shape and After matching the two poets' similarities Provided Statistical analysis of them. One of the goals of this Analytical comparative approach is Statistical analysis of two work simulations and Specify the amount of initiative and imitation of their speakers. We found out through this review, 2254 couplet of Makhzan al asrar has 631 similes and 2990 couplet of Mazhar al asrar has 680 similes Which shows the compactness of Nezami's similes relative to Abdi beig. Nezami is more simile and illustrative than Abdi Beig, despite its lesser couplet. There is a wide view from two poets. Among likened topics, has an appearance human characteristics and and abstract. The frequency of using objects in similar to is higher. Another important point is Similarity angle, their newness and oldness. Both poets to get rid of repetition and stereotypes; On one side of the simile, they bring a Similar composition or metaphors to create an imaginary simile. Out of the total of 631 similes in Makhzan-Al Asrar, 56, and out of the total of 680 similes of Mazhar-Al Asrar, 35 are new and original. The angle of simile in Nizami's poems is more open compared to Abdi Beyg's poems. In terms of formal structure, although both poets have used different types of similes in their poetry; but most of the similes in these two works are eloquent and separate.

KEYWORDS

Simile, Makhzan-Al Asrar, Mazhar-Al Asrar, Nizami, Abdi Beyg.



«مقاله پژوهشی»

تحلیل تطبیقی ساختار تشبیهات «مخزن الاسرار» نظامی و «مظهر الاسرار» عبدی بیگ شیرازی

علیرضا نبی لو^۱، مهدیه قاسمی^۲

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، ایران.

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، ایران.

نویسنده مسئول:

علیرضا نبی لو

رایانامه: dr.ar_nabiloo@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

استناد به این مقاله:

نبی لو، علیرضا و قاسمی، مهدیه (۱۴۰۲). تحلیل تطبیقی ساختار تشبیهات «مخزن الاسرار» نظامی و «مظهر الاسرار» عبدی بیگ شیرازی، دوفصلنامه علمی بلاغت کاربردی و نقد بلاغی، ۱۶(۲)، ۱-۱۷.
(DOI:org/10.30473/prl.2023.68510.207)

چکیده

در این مقاله، تشبیهات مخزن الاسرار و مظهر الاسرار از نظر موضوعی، ارکان، ساختمان و شکل، بررسی و دسته‌بندی گردیده و پس از مقایسه تطبیقی تشبیهات دو شاعر، تحلیلی آماری از آنها ارائه شده است. یکی از اهداف این نگرش تحلیلی _ تطبیقی، بررسی آماری تشبیهات دو اثر و مشخص نمودن میزان ابتکار و تقلید گویندگان آنها است. از طریق این بررسی و تطبیق دریافتیم، مخزن الاسرار با ۲۲۵۴ بیت، ۶۳۱ تشبیه و مظهر الاسرار با ۲۹۹۰ بیت، ۶۸۰ تشبیه دارد که نشان‌دهنده تراکم تشبیهات نظامی، تصویرگری و تشبیه سازتر بودن وی نسبت به عبدی بیگ است. در بحث از موضوعات، نگاهی گسترده از سوی دو شاعر وجود دارد؛ در میان موضوعات مشبه، اوصاف انسانی و مفاهیم مجرد بیشترین نمود را دارد و در مشبه به بسامد استفاده از اشیا بیشتر است. از نکات مهم دیگر، زاویه تشبیه، نو و کهنگی آنها است؛ هر دو شاعر برای رهایی از تکرار و کلیشه، در مواردی از تشبیهات، یکی از طرفین تشبیه را با استعاره یا یک ترکیب تشبیهی می‌آورند و تشبیهی خیال‌انگیز می‌آفرینند. از مجموع ۶۳۱ تشبیه در مخزن الاسرار، ۵۶ مورد و از مجموع ۶۸۰ تشبیه مظهر الاسرار، ۳۵ مورد نو و بدیع هستند. به عبارت دیگر، زاویه تشبیه در اشعار نظامی نسبت به اشعار عبدی بیگ بازتر است. از نظر ساختار شکلی، اگرچه دو شاعر از انواع مختلف تشبیه در شعر خود سود جستند؛ ولی غالب تشبیهات در این دو اثر از نوع بلیغ و مفروق است. همچنین گرایش دو شاعر به تشبیهات حسی به حسی و عقلی به حسی، تشبیهات گسترده و مفرد بیشتر است.

واژه‌های کلیدی

تشبیه، مخزن الاسرار، مظهر الاسرار، نظامی، عبدی بیگ.

مقدمه

موضوع مورد پژوهش، بررسی تحلیلی و تطبیقی ساختار تشبیهات «مخزن الاسرار» نظامی و «مظهر الاسرار» عبدی بیگ شیرازی است. «شعر نظامی از خیال‌انگیزی خاصی برخوردار است. مخزن الاسرار او دارای پیچیدگی خیال و تصویرآفرینی‌های بسیاری است و از تشبیهات تازه و قابل توجهی برخوردار است و با توجه به اینکه دارای اندیشه‌های تعلیمی، عرفانی و اخلاقی است، تشبیهات وی ریشه در طبیعت زمینی و شاخه در تفکرات آسمانی و روحانی دارد». (نبی‌لو و شیروی، ۱۳۸۹، ص ۵۶) در میان مقلدان او، عبدی بیگ شیرازی از جمله شاعران توانمند، پرکار و کمتر شناخته شده عصر صفوی است که مظهر الاسرار خود را به تتبع از مخزن الاسرار سروده و در بین اهل ادب مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. مقایسه و تطبیق تشبیهات این دو اثر تا حدودی می‌تواند خواننده را با سبک، هنر و تفکر این دو شاعر آشنا کند. زیرا از طریق نوع نگرش شاعر به تشبیه، به تجربه شخصی و نحوه تفکر وی درباره اشیا و حوادث می‌توان پی برد و از سوی دیگر چون بسیاری از تشبیهات تحت تأثیر نگرش غالب جامعه و تفکرات رایج در آن و عقاید و باورهای دینی آن جامعه پدید می‌آید، استفاده شاعر از موضوعات پیرامون خود، در واقع نوع تفکر و گرایش او را به آن موضوعات نشان می‌دهد. در نتیجه از این منظر نیز می‌توان به تفکرات و عقاید رایج در محیط زندگی هر دو شاعر پی برد. به همین منظور تشبیهات دو شاعر مورد بحث از نظر عناصر و موضوعات سازنده مشبیه و مشبه‌به، حسی، عقلی و انتزاعی بودن طرفین، زاویه تشبیه، جایگاه وجه-شبه و ادات در تشبیهات دو شاعر، ساختار شکلی تشبیهات و مفرد، مرکب بودن آنها بررسی می‌شوند و با ذکر ابیاتی برای نمونه مورد توجه و کنکاش قرار می‌گیرند. همچنین در بخشی به تشبیهات مشترک یا تقلیدی عبدی بیگ از نظامی و به ساختارهای خاص تشبیهی دو شاعر اشاره می‌شود. سپس یافته‌های آماری پژوهش در جدول و نمودارهایی نشان داده می‌شود، تا مخاطب در نگاهی اجمالی بتواند به نتایج این پژوهش و تحلیل دست یابد. در میان پژوهش‌های موجود پیرامون آثار عبدی بیگ، مظهر الاسرار وی، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در مقالاتی چون: «عبدی بیگ و شیوه شاعری او در مثنوی هفت اختر» نوشته حلبی و صدری مجد و «مقایسه هفت اختر عبدی بیگ شیرازی و هفت پیکر نظامی» از مریم بلوری به بیان ویژگی‌های «هفت اختر» عبدی بیگ پرداخته شده است. پژوهش مستقلی با عنوان «تحلیل تطبیقی ساختار تشبیهات مخزن الاسرار نظامی و مظهر الاسرار عبدی بیگ شیرازی» مشاهده نگردید؛ بنابراین با

توجه به اهمیت موضوع مورد بحث در شناساندن هر چه بیشتر خلاقیت این شاعران، انجام تحقیقی جامع درباره تحلیل ساختار تشبیهات دو اثر ضروری به نظر می‌رسید. از اینرو در این مقاله، ساختار تشبیهات نظامی و عبدی بیگ و نوع نگاه آنها از نظر طرفین تشبیه مورد بررسی تحلیلی و تطبیقی قرار می‌گیرد که این کار در این عرصه نو تلقی می‌شود و چنین پژوهشی چندان سابقه‌ای ندارد.

تشبیه و طرفین آن

تشبیه از صناعات بیانی است که نقش مهمی در اغراق و توصیف خیال‌های شاعرانه بازی می‌کند. تشبیه در ساخت صورخیال نقش بسزایی دارد؛ زیرا اساس شکل‌گیری استعاره، تمثیل و به نوعی، کنایه است. «توسل به دامن تشبیه تأثیر کلام را قوی‌تر و برد آن را بیشتر می‌کند». (تجلیل، ۱۳۷۶، ص ۴۶) در میان تعاریفی که از تشبیه در کتب بلاغی ارائه شده ذکر «همانند کردن چیزی به چیز دیگر» به طور مشترک دیده می‌شود. تعریف رادویانی، یکی از نمایندگان بلاغت سنتی، در مورد تشبیه چنین است: «آن است کی چیزی را به چیزی مانند کنند به صورت و به هیأت، یا چیزی را به چیزی مانند کنند به صفی از صفات؛ چون حرکت و سکون و لون و رنگ و شتاب و درنگ». (رادویانی، ۱۳۶۲، ص ۴۴) و بنابر تعریف شمیسا «تشبیه مانده کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر اینکه آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد، نه صدق؛ یعنی ادعایی باشد نه حقیقی». (شمیسا، ۱۳۸۷، ص ۶۶) سایر تعاریفی که در زمینه تشبیه وجود دارد، بر همین مبنا هستند و اختلاف نظری نیز در آنها دیده نمی‌شود. (ابن-رشیق، ۱۹۸۸، ص ۲۸۶؛ تقوی، ۱۳۱۷، ص ۱۴۴؛ شمس‌قیس رازی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۶)

ادبیات، کلام مخیل است و «تشبیه هسته اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است. صورت‌های گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه، مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیا کشف می‌کند». (پورنامداریان، ۱۳۷۴، ص ۱۸۱)؛ «از استعاره که بگذریم، صورتهایی چون نماد و رمز نیز با واسطه مبنای خود را از تشبیه می‌گیرند» (لامعی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۷۸). تشبیه نشان‌دهنده تقلید و خلاقیت شاعر و وسعت زاویه دید اوست؛ زیرا شاعر به وسیله تشبیه، میان عناصر و موضوعات پیرامون خود ارتباط برقرار می‌کند و بسیاری از حوادث و رویدادهای جامعه در ساخت تشبیه نیز مؤثر است؛ شاعر با به خدمت گرفتن این فن با طبیعت و ماورای آن ارتباط برقرار می‌کند، دست به دخل و تصرف در طبیعت بی‌جان و مفاهیم

عناصر دینی، ادبی، عرفانی، طبیعی، اجتماعی و... در تشبیهاتش استفاده می‌کند، گرایش خود به آن امور و نوع تفکرش را نشان می‌دهد. با این توضیحات وارد بحث اصلی یعنی تشبیهات نظامی و عبدی-بیگ می‌شویم.

عناصر تشبیه

ورود موضوعات و واژه‌های نو به گستره ادبیات سبب وسعت دایره مشبه و تنوع مشبه‌به‌ها می‌شود. به گونه‌ای که هر زمان در این عرصه تغییر و تنوع حاصل شود، سیمای ادبیات آن دوره نیز تغییر می‌کند. اما اگر دایره گسترده‌ای را شامل نشود، ادبیات دچار تکرار و ابتذال می‌گردد. از اینرو می‌توان گفت، تعدد مشبه یعنی تنوع فکر و به گسترده‌ی موضوع منجر می‌شود و تعدد مشبه‌به یعنی تعدد مضمون. با توجه به اهمیت تشبیه در جریان تصویرآفرینی و خیال‌پردازی شاعر و با در نظر گرفتن نقش طرفین تشبیه در شکل‌گیری آن، به بررسی موضوعات و عناصر سازنده مشبه و مشبه‌به مخزن الاسرار و مظهر الاسرار می‌پردازیم. دسته‌بندی که در این جا از مشبه و مشبه‌به‌های دو شاعر آمده، نشان‌دهنده تنوع و گستردگی نگاه و تعدد مضامین در اشعارشان است. زیرا تقریباً در هر موضوعی وارد شده‌اند و از آن تشبیه اخذ کرده‌اند. نظامی و عبدی-بیگ از عناصر و موضوعات مختلفی از جمله: انسان و ویژگی‌های او، اجرام آسمان، طبیعت، اشیاء، مفاهیم مجرد و انتزاعی و... در مشبه و هم در مشبه‌به، بهره برده‌اند؛ تشبیهات دو شاعر در مخزن الاسرار و مظهر الاسرار از این منظر بررسی گردیده و تشبیهات استخراج شده به اعتبار مشبه و مشبه‌به دسته‌بندی شده است.

الف) بررسی موضوعات مشبه

۱. انسان و اوصاف انسانی

مخزن الاسرار: انسان به پروانه (نظامی، ۱۳۹۵، ص ۷۹) // به مگس^۱ (۱۰۷) / کدو (۱۵۷) // شاعر به لب لاله (۵۳) // پیامبر به صبح نجات (۳۰) // اعضا و جوارح انسانی دل به گندم (۷۲) // تن به گوهر (۷۴) // جسد به دیگ (۷) // خد به نیشکر (۶۴) // صورت به مملکت (۴۹) // گوش به صدف (۵) // گیسو به شب (۲۲) // مغز به روغن (۴۹) // طبع به غبار (۱۶۹) // عقل به روشنی (۱۰) // به رشته (۳) // رای به ملک (۷۷) // دل به مرغ (۷۷) // به دانه (۹۷) // زبان به نخل (۵) // سخن به در (۵) // به شهد (۴۳) // ترازو (۴۰) // جان به رشته (۱۰۵) // عیسی (۷۷).

مجرد و غیر مادی می‌زند و تصاویری خیال‌انگیز می‌آفریند که ساختار ذهنی‌اش را شکل می‌دهند. «شکل ذهنی شعر حاکی از تمرکز کامل همه نیروی خلاقه شاعر در لحظه آفرینش شعر است». (براهنی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۷۵) تشبیه در توضیح و تبیین اندیشه از اهمیت بالایی برخوردار است. تشبیه «معنا را از نهان به ظهور می‌آورد، آنچه با فکر حاصل شده (اندیشه) را با آنچه فطرتاً می‌دانیم به ما انتقال می‌دهد... معنای نامحسوس را آشنا می‌سازد و امر معقول را برای ما محسوس می‌کند». (خطیب قزوینی، ۱۴۰۰، ص ۳۳۱) سکاکی در خصوص این موضوع می‌نویسد: «تشبیه، وضوح معنا را می‌افزاید و بر آن تأکید می‌کند». (سکاکی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۸) به عبارت دیگر «چون انسان از ماهیت و حقیقت بسیاری از امور واقف نیست و آن چیزها را نمی‌تواند تعریف کند، آنها را تشبیه می‌کند». (زرین کوب، ۱۳۸۱، ص ۶۷) شاعر از طریق این فن بیانی با طبیعت و هر آنچه در آن است، ارتباط برقرار می‌کند و از راه محاکات و با تخیل آنها را به خدمت می‌گیرد. ارکان تشبیه عبارتند از: مشبه، مشبه‌به، ادات و وجه‌شبه. «و از این چهار رکن آن دو رکنی که در حقیقت بنیاد تشبیه بر آنها استوار است، همان دو رکن مشبه و مشبه‌به است که در اصطلاح آنها را طرفین تشبیه می‌خوانند». (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲، ص ۵۶) مشبه و مشبه‌به همواره باید ذکر شوند، اما وجه‌شبه و ادات می‌توانند حذف شوند و هر گاه این دو در تشبیه حذف گردند، همانندگی بین طرفین بیشتر می‌شود و تشبیه با اغراق همراه خواهد شد و هنری‌تر جلوه خواهد کرد. «تشبیه تا هنگامی دارای ساختار تشبیه است که این دو پایه در سخن آورده شده باشند. از این دو پایه بنیاد پندار شاعرانه (مانروی) بر مانسته نهاده شده است. پایه برترین مانسته است، آن سه دیگر بر آن بنیاد می‌گیرند». (کزازی، ۱۳۸۹، ص ۴۱) بنابراین مشبه و مشبه‌به، مهم‌ترین ارکان تشبیه است که قابل حذف نیستند و بدون وجود آنها تشبیهی شکل نخواهد گرفت. با توجه به نقش طرفین تشبیه در شکل‌گیری آن، بررسی ارکان تشبیه می‌تواند باعث شناخت بهتر دیدگاه‌ها، ساحت اندیشه و ذهنیات شاعر شود. «مشبه‌به و وجه‌شبه اغلب بیان‌کننده محیط زندگی و دریافت‌های ذهنی شاعر است. بنابراین، تشبیه بازگوکننده زندگی، تفکرات، آرمان‌ها و ادراکات اوست». (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵) موضوعاتی که در پیرامون شاعر قرار دارد یا از ذهن او می‌گذرد و بسیاری از تجربه‌ها و آرزوهای شاعر می‌تواند در تشبیه‌سازی او مورد استفاده قرار گیرد و تشبیه عرصه بروز تفکراتش شود. از این رو، شاعری که از

جز تو فلک را خم چوگان که داد

دیگ جسد را نمک جان که داد

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۷)

تیغ ز الماس زبان ساختم

هر که پس آمد سرش انداختم

(همان، ص ۳۷)

او که چو گندم سر و پای نداشت

بی‌زمی و سنگ نوایی نداشت

(همان، ص ۷۲)

مظهرالاسرار: انسان به شهباز (عبدی بیگ، ۱۹۸۶،

ص ۵۲) // به مگس (۵۲) // به عنکبوت (۵۲) // آدم به گوهر (۵۱) //

آدم به گل (۵۱) // **شاعر** به دل (۳۸) // به مو (۳۹) // **پیامبر** به

نور (۱۶) // گیسوی پیامبر به حجت آمرزش خدا (۱۴) // **اعضا**

و جوارح انسانی: چهره به لاله زار (۶) // اشک به

سیاره (۳۸) // آه به چراغ (۳۸) // قد خم به مو (۳۹) // مژگان به

ناوک (۳۹) // کف به ابر (۲۹) // رخ و خاطر به آینه (۵۱) // رگ به

دام (۵۲) // **دل** به سکه (۱۲) // باغ (۱۴) // فانوس (۳۹) // **عقل**

به ترازو (۱۲) // ساغر (۴۰) // خرد به شمع (۸)، (۱۶۰) // اندیشه به

طایر (۵۸) // **زبان و نطق** به مطرب (۱۳۲) // به بلبل (۱۶۰) //

زبان به مرغ (۱۶۰) // نطق به آب (۱۶۰) // **سخن و وابسته-**

های آن: سخن به ملک (۳۴) // نگین (۳۵) // مرغ (۱۶۰) // بیان

به کلک (۱۶۰) // دانش به صدف (۱۳۵) // علم به قافله سالار

(۱۳۵) // به گهر (۱۳۶) // خامه به مار (۳۶) // کلک به طوطی

(۱۶۰) // دوات به ظلمات (۱۶۰) // **جان** به رشته (۱۶۰) // پرتو

نور ازل (۴۵) // گوهر (۱۶۰).

اوست چو شمعی بهدایت دلیل

آمده پروانه شمعش خلیل

(همان، ص ۱۴)

رشته گفتار مگردان دراز

رخش سخن بیشتر از این متاز

(همان، ص ۱۸۱)

نظامی از موضوعات متعدد مرتبط با انسان، به عنوان مشبه بهره

فراوان برده است. مشبه‌های عبدی بیگ نیز موضوعاتی چون:

انسان، اعضا و جوارح انسان، ویژگی‌ها و اوصاف، پیامبر به عنوان

انسان کامل، شاعر و اوصاف او، دل، جان، زبان و سخن را شامل

می‌شود. انسان، اعضا و کارهای او بیشترین بسامد را دارد. این

دسته مشبه در مخزن‌الاسرار ۳۵۰ مورد (۵۵٪) و در

مظهرالاسرار ۱۸۰ مورد (۲۵٪) است. چنانکه از آمار و ارقام برمی-

آید، سهم نظامی بیشتر است، یعنی تقریباً دو برابر نویدی از این

موضوع در تشبیهات خود استفاده نموده است. مشبه‌هایی که با

محوریت پیامبر پدید آمده، در هر دو اثر تقریباً یکسان است.

نویدی بیشتر از نظامی از خرد و رای در تشبیهاتش بهره گرفته

است. تشبیهات مشترک آنها در این بخش عبارتند از: انسان به

مگس، آدم به گل، مردم به غنچه، دل به دریا، گوش به صدف،

دل به آینه، سخن به میزان و ترازو، سخن به آب.

۲. موضوعات و اجرام آسمانی

مخزن‌الاسرار: فلک به پیر (۱۲۲) // نه فلک به

گره (۵۲) // **خورشید** به مهره (۶۹) // **مه** به حقه (۹) // هلال به

طوق (۹) // ثریا به تخت (۱۶) // **شب** به کحلی (۵۳) // شحنة (۶۲) //

صبح به صدف (۲۳) // شب و روز به مرغ (۹).

صفر کن این برج ز طوق هلال

باز کن این پرده ز مشتی خیال

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۹)

شحنة شب خون عسس ریخته

بر شکرش پر مگس ریخته

(همان، ص ۶۲)

مظهرالاسرار: افلاک به گنبد (۱۱) (۳۳) // نه فلک به آبا (۷) //

عنصر اربع به امهات (۷) // فلک به تخت (۱۴) // افلاک به منبر

(۱۴) (۱۵) // خرگاه (۴۴) // گوی و دانه (۵۴) // خنگ (۷۴) // فلک به

فلک (۱۳۲) // ماه و خورشید به کاسه (۳۸) // آینه (۳۹) // شب به

لشکر (۳۸) // نیلوفر (۴۲) // روز به یاسمن (۴۲) // افق به جوی (۴۲).

پردگیی سوی تو دارد نگاه

روز و شب از عینک خورشید و ماه

(عبدی بیگ، ۱۹۸۶، ص ۵۴)

دیک فلک بر سر آتش مدام

پخته شود هر چه درو هست خام

(همان، ص ۱۶۹)

آسمان و اجرام آسمانی، از پدیده‌های الهام‌بخش در

تصویرسازی هر دو شاعر می‌باشد. نظامی از آسمان و اجرام

آسمانی در مشبه‌های خود استفاده کرده است و این نشانگر ذهن

طبیعت‌گرای وی است. دنیای گسترده آسمان موضوع برخی

تشبیهات عبدی بیگ نیز هستند و تنوع موضوع را در تشبیهات او

رقم زده است. این نوع مشبه در مخزن‌الاسرار ۷۵ مورد (۱۱٪) و

در مظهرالاسرار ۳۷ مورد (۵٪) است.

۳. طبیعت و رستنی‌ها

مخزن الاسرار: زمین به مرغ (۹۹) // گوی (۲۹) // طبیعت به ملک (۴۰) // گل به کشتی (۷۴) // به زرده (۵۶) // لاله به مجمر (۵۶).
باغ جهان زحمت خاری نداشت

خاک سراسیمه غباری نداشت
(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۱)

هندوک لاله و ترک سمن

سهل عرب بود و سهیل یمن
(همان، ص ۷۴)

مظهر الاسرار: زمین به گوی (۱۱) // غنچه به گره (۱۴) // زمین به برقع (۳۸) // حوض آب به قبله نما (۴۲) // باغ به طوطی (۴۴) // جهان به باغ (۴۲) // شبنم به آب حیات (۴۴) // بادیه به صحرای وهم، غم عاشق، شب هجر (۴۷) // چشمه به آینه (۴۸) // جوش چشمه به سبزه (۴۸) // گل به کتاب (۴۳) // غنچه به شیشه می (۴۴) // لاله به مجمره (۴۸).

کاسه نیلوفر ازو سر بلند

گشته ز خوان کرمش بهره‌مند
(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۸)

آب چو صوفی صفتان صوف پوش

آمده از موج بجوش و خروش
(همان، ص ۴۳)

بهره‌گیری از طبیعت در موضع مشبه، از موضوعات دیگر مخزن الاسرار و مظهر الاسرار است. در مخزن الاسرار ۳۸ مورد (۶٪) و در مظهر الاسرار ۵۶ مورد (۸٪) است که عبدی-بیگ تقریباً دو برابر نظامی از این نوع موضوعات در مشبه‌های خود بهره برده است. در شعر عبدی-بیگ، طبیعت، خود موضوع توصیف و به عنوان پدیده‌ای قابل بحث و اندیشیدن مطرح است؛ در حالیکه در شعر نظامی بیشتر عناصر طبیعت در جایگاه مشبه‌به و در خدمت توصیف‌گری شاعر است. تشبیهات مشترک دو شاعر در این بخش سه مورد است: زمین به گوی، جهان به باغ و لاله به مجمره.

رستنی‌ها یکی دیگر از موضوعات تشکیل دهنده مشبه در اشعار هر دو شاعر است. این نوع مشبه در مخزن الاسرار ۳۱ مورد (۴٪) و در مظهر الاسرار ۲۱ مورد (۳٪) کاربرد دارد.

۴. حیوانات

مخزن الاسرار: سگ به شیر (۱۴۹) // مار به گنج نشین (۱۱۰) // جغد به بلبل گنج (۱۰۶).

جغد که شوم است به افسانه در

بلبل گنج است به ویرانه در
(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۶)

مظهر الاسرار: باره به کشتی (۳۰) // قمری به مقری (۴۳) // لاک پشت به صدف (۷۲) // رویاه به عروس (۱۰۴).
باره او کشتی دریاگذار

بلکه بر آورده ز دریا غبار
(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۳۰)

این نوع مشبه در مخزن الاسرار ۹ مورد، در مظهر الاسرار ۷ مورد است.

۵. اشیا و ابزار

مخزن الاسرار: جام به نرگس (۶۵) // کیخسرو (۳۳) // قدح به فرق ملکزاد (۸۴) // تیر به زبان (۱۰۹) // تاج به فلک (۱۱۰) // شمع به ساقی (۶۳).

می چو گل آرایش اقلیم شد

جام چو نرگس زر در سیم شد
(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۶۵)

مظهر الاسرار: پیرهن به دشمن (۳۸) // جلاجل به زنبور (۷۱) // تیر به عبارات رسا (۷۱) // گرز به سودا (۷۲) // سنان به شمع (۷۲) // کباد به کمان (۷۳).

هست رسولی قلم سحر ساز

با دو زبان گرم در افشای راز
(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۳۶)

نظامی و عبدی-بیگ از نام ابزارها و اشیا، در مشبه استفاده کرده‌اند. این موضوع در مخزن الاسرار ۲۳ مورد در مظهر الاسرار ۲۱ مورد است، که تعداد آنها به هم نزدیک است.

۶. مفاهیم مجرد و انتزاعی

مخزن الاسرار: غم به شحنه (۱۰) // به دام (۱۰) // به مغز (۱۲۷) // ستم به غبار (۸۱) // تدبیر به کشتی (۷۹) // عدم به گرد (۴) // غله-دان (۲۵) // ناز به صحر (۲۰) // سخا به باغ (۵) // بهشت به باغ (۷۱).
خانه غولند بپردازشان

در غله-دان عدم اندازشان

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۲۵)

مست شده عقل به خوشخواب در

کشتی تدبیر به غرقاب در
(همان، ص ۷۹)

بیشتر از مظهرالاسرار با ۷ مورد (۱٪) آمده است. در این زمینه تشبیه مشترکی دیده نمی‌شود.

ب) بررسی موضوعات مشبّه به

۱. انسان و اوصاف انسانی

مخزن الاسرار: لعل به جگر (۵) لب به مسیحا (۶۵) سحر به غماز (۱۴۶) کرشمه به کماندار (۶۴) شمع به ساقی (۶۳).

زرد قصب خاک به رسم جهود

کاب چو موسی ید بیضا نمود

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۵۸)

عاجزی وهم خجل روی بین

مو به موی این ره چون موی بین

(همان، ص ۱۲۴)

مظهرالاسرار: سنگ فیروزه به صوفی (۶) ستم به یاجوج

(۲۷) قلم به رسول (۳۶) باد صبا به نفس حضرت عیسی (۴۴)

امید به حاجب (۴۴) قلم به خضر (۱۶۰) باد بهاری به مسیحا

(۱۶۶) شاعر به دل (۳۸).

خامه او خضر مسیحا صفات

نامه او غیرت آب حیات

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۳۴)

قمری مقری صفت خوش نوا

غلغله افکنده در ارض و سما

(همان، ص ۴۳)

نظامی و عبدی بیگ از اوصاف و احوال انسانی در مشبّه به

تشبیهاتشان استفاده کرده‌اند. این نوع در مخزن الاسرار ۱۲۹ مورد

(۲۰٪) و در مظهرالاسرار ۳۱ مورد (۵٪) است. نظامی از انسان و

وابسته‌های او بهره فراوان برده است. در مقابل، استفاده عبدی-

بیگ بسیار اندک است. این موضوع، نشانگر توجه ویژه نظامی

به انسان و احوال اوست.

۲. موضوعات و اجرام آسمانی

مخزن الاسرار: انسان، سخن، مه به فلک (۱۶۸) (۴۳) (۶۴) /

شاعر به مه گردون (۱۷۶) / غنچه به گردون (۱۳۰) / آدم به

ماه (۶۶).

دست بدار ای چو فلک زرق ساز

ز آستن کوتاه و دست دراز

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۲)

مظهرالاسرار: بهشت به باغ (۳) / جبروت به قصر (۵) / ادراک

به خاتم (۸) / عدم به گنجور (۱۰) به چاه (۱۱) / فنا به بحر، چوگان

(۱۱) / فرقد به عینک (۱۱) / حقیقت به نور (۱۲) / عدل به چراغ

(۲۸) / بقا به شمع (۳۹) / اصول و فروع به توشه (۴۰) / امید به

حاجب (۴۵) / صبر و سکون به پیرایه (۴۷) / وهم به صحرا (۴۷) /

ستم به ریگ بیابان (۴۸) / غم به خار مغیلان (۴۸) / توفیق به

هادی (۴۹) / سعادت به گوی (۵۰).

کشتی نوح است و ازو کاینات

دیده ز غرقاب ضلالت نجات

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۳)

رفت گناه از حد و برگشت روز

مشعلی از توبه بره برفروز

(همان، ص ۴۹)

چیست فلک با همه نشو و نما

دانه-ای از مزرع صنع خدا

(همان)

هر دو شاعر در مشبّه‌های خود از حالات درونی انسان

بهره برده‌اند. همچنین به امور غیبی و ناملموس توجه ویژه‌ای

دارند. این نوع مشبّه در مخزن الاسرار ۷۸ مورد (۱۲٪)، در

مظهرالاسرار ۱۹۴ مورد (۲۸٪) است. میزان استفاده عبدی بیگ از

این مفاهیم تقریباً دو برابر نظامی است و در مظهرالاسرار نمود و

برجستگی بیشتری دارد. با توجه به رنگ و بوی عرفانی و معنوی

مظهرالاسرار نسبت به مخزن الاسرار، مفاهیم مجرد در اثر

عبدی بیگ بیشتر محوریت دارد و او به آوردن این مفاهیم در

تشبیهات خود اهتمام بیشتری ورزیده است. عشق و سودا به

آتش، بهشت به باغ از تشبیهات مشترک هستند.

۷. مفاهیم تخیلی - ادبی

مخزن الاسرار: چشمه خورشید به نمکدان (۶۲) / چشمه تیغ

به آب فرات (۱۵) / زلف بنفشه به رسن (۶۳).

چشمه تیغ تو چو آب فرات

ریخته قرا به آب حیات

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۱۵)

مظهرالاسرار: ابر عنایت به چتر (۲۱) / مهر رخ به نگین (۲۸) /

گوی فلک به دانه (۵۴) / رشته جان به حلقه (۷۵).

ابر عنایت به سرت چتروار

آمده جبریل امین چتردار

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۲۱)

مشبّه در این نوع تشبیهات به شکل اضافه تشبیهی یا

استعاره است. این نوع تشبیه در مخزن الاسرار با ۲۴ مورد (۳٪)

مظهر الاسرار: اشک به سیاره (۳۸) / چهره به خورشید (۶۸) /
قرص نان به قرص ماه (۶۹) / بقا به روز (۱۱۱) / دل، عقل به نیر
(۱۱۵) / (۱۶۰) / ناخن به هلال (۱۵۹).
نکته پاکیزه بوزر جمهر

فیض رسانست چو تابنده مهر

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۱۵۷)

هر دو شاعر موضوعاتی مانند آسمان، خورشید، شب و روز، باد و آتش را در مشبّه‌به تشبیهات خود آورده‌اند و تمام این جلوه‌ها و مظاهر خداوند ابزارهای توصیف آنها محسوب می‌شود. این دسته مشبّه‌به در مخزن الاسرار ۶۹ مورد (۱۱٪)، در مظهر الاسرار ۱۶ مورد (۲٪) است که بهره‌گیری نظامی نسبت به عبدی-بیگ بیشتر است؛ این موضوع در بخش مشبّه نیز دیده شد. نظامی شاعری است که طبیعت و گستره جهان و زیبایی‌های متنوع آفرینش را می‌شناسد و تمام این مظاهر، ابزارهای توصیف وی محسوب می‌شوند.

۳. طبیعت و رستنی‌ها

مخزن الاسرار: خرد به خاک (۲۰) / شاعر به ذره (۳۸) / قد به نارون (۶۴) / انسان به بنفشه (۱۶۶) / شاعر به گل (۱۴۹) / گوش به گل (۴۸).

آب سخن بر درت افشاندۀ ام

ریگ منم این که به جا مانده ام

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۳۸)

باغ زمانه که بهارش تویی

خانه غم دان که نگارش تویی

(همان، ص ۱۱۱)

مظهر الاسرار: فنا به بحر (۱۱) / ستم به کوه (۴۸) / ستم به ریگ (۴۸) / خون دل به لاله (۴۸).

صبح که نیلوفر شب رخ نهفت

یاسمن روز بجایش شکفت

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۴۲)

جوی افق شد ز سفیده پر آب

باغ جهان یافت از آن آب و تاب

(همان)

هر دو شاعر از باغ، زمین، خاک در مشبّه‌به‌های خود استفاده کرده‌اند. بر خلاف مشبّه، به طور تقریباً برابر در مشبّه‌به‌های تشبیهات از طبیعت به عنوان ابزاری برای توصیف بهره گرفته‌اند. این دسته مشبّه‌به در مخزن الاسرار ۵۷ مورد (۹٪) و در مظهر الاسرار ۵۵ مورد (۸٪) از کل مشبّه‌به‌های هر دو را شامل می‌شود.

هر دو شاعر از نام گل‌ها، گیاهان و درختان در مشبّه‌به تشبیهات خود استفاده کرده‌اند و نظامی از این موضوعات بیشتر در مشبّه‌به‌های خود بهره برده است. این نوع مشبّه‌به در مخزن - الاسرار ۴۷ و در مظهر الاسرار ۱۶ مورد می‌باشد.

۴. حیوانات

مخزن الاسرار: انسان به پروانه (۷۹) / روی به پروانه (۳۳) / لب به مرغ (۵۲) / تماشاگران به کرکس (۱۲۶) / بنده به قمری (۱۱).

باغ سخا را چو فلک تازه کرد

مرغ سخن را فلک آوازه کرد

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۵)

مظهر الاسرار: چرخ به نوبتی (۲۶) / باغ، کلک به طوطی (۴۴) / (۱۶۰) / عزم به مرکب (۹۲) / اجل، زبان به مرغ (۱۰۳) / (۱۶۰) / نظم به طایر (۱۱۳) / روح به پروانه (۱۳۱) / نطق به بلبل (۱۶۰) / سخن به مرغ (۱۶۰).

سبحه ستانی ز کف قدسیان

دانه دهی مرغ عدم را بآن

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۱۰)

نام حشرات، پرندگان و جانوران به عنوان مشبّه‌به نیز مورد نظر هر دو شاعر بوده است. نظامی ۵۷ مورد (۹٪)، عبدی-بیگ ۳۲ مورد (۴٪) از کل مشبّه‌به‌های خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند. تعداد تقریباً نزدیک به هم هستند با مشبّه‌به‌های مشترکی چون پروانه، مرغ، قمری و ...

۵. اشیا و ابزار

مخزن الاسرار: جان به گنج (۱۵۸) / گرده به یاقوت (۵) / دهن به حقه (۶۰) / جسد به دیگ (۷).

وانکه چو سیماب غم زر نخورد

نقره شد و آهن سنجر نخورد

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۴۳)

ز آتش تنها نه، که از گرم و سرد

راستی مرد بود درع مرد

(همان، ص ۱۴۶)

مظهر الاسرار: مه به کاسه (۳۸) / آه به چراغ (۳۸) / ماه و خورشید به آینه (۳۹) / دل به فانوس (۳۹) / حوض آب به قبله

نما(۴۲)/ غنچه به شیشه می(۴۴)/ جوش چشمه به سبزه(۴۸)/
کف دست به رحل(۴۹)/ اخلاص به حلقه(۵۰).

بر دهن از روزه نه او را لگام

تا زند از طوع بکام تو کام

(عبدی بیگ، ۱۹۸۶، ص ۶۷)

سلک بشر را شرف از دانش است

دُرّ یقین را صدف از دانش است

(همان، ص ۱۳۵)

تصویرآفرینی با استفاده از وسایل پیرامون زندگی، کاری است که هر دو شاعر از آن استفاده کرده‌اند و توجه خاصی به این موضوع داشته‌اند. نام سنگ‌ها، فلزات، وسایل زندگی، ابزارهای جنگی و وسایل تزئینی در جایگاه مشبّه به در مخزن-الاسرار ۱۹۱ مورد و در مظهرالاسرار ۱۵۵ مورد است. در این بخش نیز مشبّه به نظامی از نظر تعداد بر عبدی بیگ فزونی دارد.

۶. مفاهیم مجرد و انتزاعی

مخزن‌الاسرار: انسان به سیمرغ(۹۹)/ طلسم(۱۵۸)/ قضا(۱۰۲)/ پیامبر به آب حیات(۲۲)/ راهرو به ملایک(۹۰).

عقل تو جانست که جسمش تویی

جان تو گنجی که طلسمش تویی

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۸)

مظهرالاسرار: بادیه به صحرای وهم(۴۷)/ به غم عاشق(۴۷)/ شب هجر(۴۷)/ چهل به ظلمت(۱۴۳).

چون غم عاشق ز کران بی نیاز

چون شب هجر آمده دور و دراز

(عبدی بیگ، ۱۹۸۶، ص ۴۷)

خضر قلم در ظلمات دوات

یافته است از سخن آب حیات

(همان، ص ۱۶۰)

نظامی از این نوع مشبّه به، ۱۱ مورد، عبدی بیگ ۲۴ مورد آورده است. عبدی بیگ دو برابر نظامی از این نوع مشبّه به استفاده نموده است. این امر برخاسته از رنگ و بوی عرفانی و معنوی مظهرالاسرار نسبت به مخزن‌الاسرار است.

۷. مفاهیم تخیلی - ادبی

مخزن‌الاسرار: سخن پروری به پرده راز(۱۹)/ پیامبر به صبح نجات(۱۳)/ دل خرسند به ملک قناعت(۸۳)/ غنچه به چشمه خون(۸۲).

پرده رازی که سخن پروری است

پرده ای از پرده پیغمبری است

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۱۹)

مظهرالاسرار: بادیه به صحرای وهم(۴۷)/ خار مغیلان به

ناوک غم(۴۸)/ فقر به مرکب عزم(۹۴).

کوه ستم ریگ بیابان او

ناوک غم خار مغیلان او

(عبدی بیگ، ۱۹۸۶، ص ۴۸)

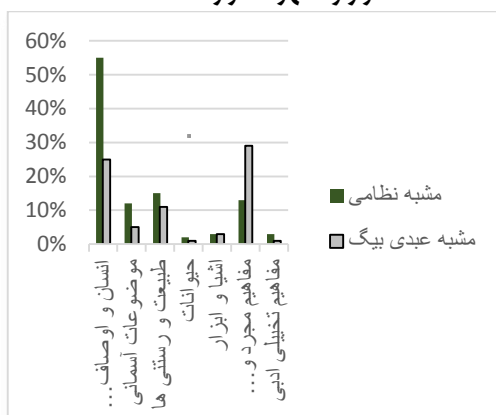
نظامی با ۳۳ مورد نسبت به عبدی بیگ با ۶ مورد بیشتر

از این نوع مشبّه به استفاده کرده است.

از توضیحات فوق چنین درمی یابیم: انسان و اوصاف انسانی در مرکز توجه و تصویرسازی نظامی و عبدی بیگ قرار گرفته است و هر دو شاعر در مشبّه و مشبّه به تشبیهات خود از اوصاف انسانی بیشترین بهره را برده‌اند که می تواند تحت تأثیر نگرش اخلاقی و نیمه عرفانی دو شاعر در دو اثر مورد بحث باشد. همچنین با توجه به رنگ و بوی عرفانی و معنوی بیشتر مظهرالاسرار نسبت به مخزن‌الاسرار، عبدی بیگ به آوردن مفاهیم مجرد بیشتر گرایش دارد. به دلیل نوع تفکر حاکم بر مخزن‌الاسرار و مظهرالاسرار، نقش حیوانات، طبیعت و... در تشبیهات کم رنگ است. نظامی و عبدی بیگ در تشبیهات خود بیشتر، امور را به اشیا و ابزار تشبیه کرده‌اند که این موضوع با توجه به پایین بودن بسامد تشبیهات حسی به عقلی و عقلی به عقلی می باشد. نمودارهای زیر می تواند نمایشی یکجا باشد از موارد یاد شده:

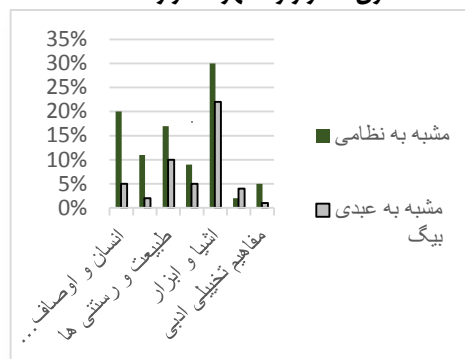
نمودار ۱: بسامد موضوعات مشبّه در تشبیهات مخزن-

الاسرار و مظهرالاسرار



نمودار ۲: بسامد موضوعات مشبّه به در تشبیهات

مخزن الاسرار و مظهر الاسرار



است. میزان تشبیه حسی به عقلی در دو اثر ۲٪ (در مخزن- الاسرار ۱۲ و در مظهر الاسرار ۲۴ مورد) است. تشبیهات انتزاعی به انتزاعی و انتزاعی به عقلی در مخزن الاسرار ۳٪ (۲ مورد)، در مظهر الاسرار به کار نرفته است. تشبیه عقلی به انتزاعی در مخزن الاسرار ۳٪ (۲ مورد) است، در مظهر الاسرار (۴ مورد) می- باشد. تشبیهات انتزاعی به حسی در مخزن الاسرار ۲/۸٪ (۱۸ مورد)، در مظهر الاسرار (۳ مورد) است و میزان تشبیه حسی به انتزاعی در مخزن الاسرار (۲۸ مورد) و در مظهر الاسرار (۷ مورد) است.

زاویه تشبیه

از موضوعات دیگری که می‌تواند مؤید نوآوری و ابداع شاعران در تشبیه سازی باشد، زاویه تشبیهات است. زاویه تشبیه مبتنی است بر میزان شباهت میان مشبّه و مشبّه به، چنانچه «هر قدر زاویه تشبیه بازتر باشد، یعنی ربط مشبّه و مشبّه به دورتر باشد (تشبیه غریب)، تشبیه هنری تر است و هر قدر زاویه تشبیه تنگ تر باشد (تشبیه مبتذل)، تشبیه غیر هنری تر است» (شمیسا، ۱۳۸۷، ص ۴۴) تشبیهات غریب حاصل ذهن خلاق شاعران و مبین نوآوری ایشان است که سبب می‌شود تا «میزان حدس مخاطب تقلیل پیدا کند یا در برخی موارد به صفر برسد» (شمیسا، ۱۳۷۳، ص ۶۳) البته گذشت زمان و فاصله گرفتن از عصر شاعران سبب نسبی شدن باز و بستگی زاویه تشبیه می- شود؛ چه بسیار تشبیهاتی با زاویه باز، امروز تکراری جلوه کند. اما اگر معیار بررسی عصر شاعر باشد، میزان آفرینشگری و شگرد هنری شاعر در تصویرگری و تازگی تشبیهات وی وجه دیگری پیدا کند. با تمام این اوصاف و با نگرش و تحلیل اشعار دو شاعر مورد بحث، می‌توان گفت، زاویه تشبیه در اشعار نظامی نسبت به اشعار عبدی بیگ بازتر است و در نتیجه نوآوری بیشتری در آن دیده می‌شود. از مجموع ۶۳۱ تشبیه در مخزن الاسرار، ۵۶ مورد (۹٪) هنوز دارای زاویه باز بوده و به تعبیر دیگر بکر و بدیع به نظر می‌رسد؛ درحالیکه از مجموع ۶۸۰ تشبیه مظهر الاسرار، ۳۵ مورد (۵٪) چنین کیفیتی دارد و میزان نوآوری نویدی از نظامی کمتر است. برخی از تشبیهات دو شاعر کلیشه‌های سنتی هستند که در تشبیهات جایی استوار برای خود یافته‌اند. برای مثال: پیر عقل، مرغ سخن، خنجر زبان، قفس قالب، مرغ دل، کاسه دل، سلسله مو، شب گیسو، ناوک غمزه، حقّه دهن، درّ دندان، نعل مه،... در مخزن الاسرار و گل عذار، تیغ زبان، دشت امل، توسن نفس، کاسه مه، سرمه خاک، منبر افلاک، ترازوی عقل، توسن نفس،

حسی، عقلی و انتزاعی بودن طرفین تشبیه

حواس و صور خیال با هم ارتباط تنگاتنگی دارند؛ «تصویر در شعر، بیانی است که به صور ذهنی حاصل از دریافت‌های حسی شاعر زندگی می‌بخشد؛ به عبارت دیگر سبب می‌شود تا خواننده احساس کند که چیزی را به گونه‌ای متمایز می‌بیند، لمس می- کند، می‌بوید یا می‌شنود» (اسکلتن، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵) چنانچه در بررسی موضوعات ذکر شد نظامی و عبدی بیگ بیشتر از تشبیهات حسی _حسی استفاده کرده‌اند و هر دو در تشبیهات حسی خود بیشتر از حواس بینایی بهره گرفته‌اند. بسامد بالای ساختار تشبیهات حسی، به دلیل موضوع و محتوای کلام، گریزناپذیر است. نظامی و عبدی بیگ با به خدمت گرفتن مشبّه‌های حسی، مفاهیم عقلی و معنوی را به امور حسی تشبیه کرده و اینگونه معانی بلند روحانی و معنوی را برای مخاطب دریافتنی و ملموس می‌کنند. بهره‌گیری از تشبیهات عقلی به حسی نیز در همین جهت است. گرایش عبدی بیگ به تشبیهات عقلی به حسی بیشتر از نظامی است و این امر به دلیل فضای فکری حاکم بر مظهر الاسرار است که نسبت به منظومه نظامی از اوصاف عرفانی بیشتری برخوردار است. بیشترین بسامد تشبیهات در مخزن- الاسرار، حسی به حسی است ۷۰٪ (۴۴۳ مورد) و تشبیهات عقلی به حسی با ۱۸٪ (۱۱۸ مورد) بعد از آن قرار دارد. عبدی بیگ در مظهر الاسرار نیز تقریباً ۴۰٪ (۲۸۶ مورد) از تشبیهات خود را به شکل حسی به حسی و ۴۰٪ (۲۶۹ مورد) را به شکل عقلی به حسی آورده است که نشان می‌دهد هر دو شاعر بیشتر از امور حسی در تصویرسازی بهره گرفته‌اند و به استفاده از تشبیهات با طرفین عقلی و انتزاعی تمایل چندانی ندارند. تنها ۱٪ از تشبیهات مخزن الاسرار (۶ مورد) و مظهر الاسرار (۷ مورد)، عقلی به عقلی

قد سرو، لب لعل، ویرانه عالم، زیور علم، مسیحای باد،... در مظهرالاسرار تشبیه کهنه، کلیشه‌ای و مکرر هستند.

در ادامه به چند مورد از تشبیهات تازه هر دو شاعر اشاره می‌شود. در مخزن‌الاسرار تشبیهاتی نظیر: خصم به نعل، گنجه به بابل، خاطر به زهره، رخ به آتشگر، چشم به اسماعیل، لب به مرغ، شعر مانند صور قیامت، صابون خورشید، مؤید نوآوری و ابتکار نظامی در تشبیه‌سازی است و در مظهرالاسرار نیز تشبیهات: روزه به لگام، کین به می، جنگ به صفرا، فلک به پلنگ، دل به ترازو، ظلم به خمخانه، تجربه به صدف، خامه به خضر، گرز به سودا، نظم به ترکان صبیح‌العذار چنین کیفیتی دارند.

برخی از تشبیهات با زاویه باز در مخزن‌الاسرار و مظهرالاسرار ساختار ادبی خاصی دارند؛ در مواردی از تشبیهات، شاعر در یکی از طرفین تشبیه ابتدا یک استعاره یا تشبیهی می‌آورد و بعد آن را در دل ساختار تشبیهی دیگر قرار می‌دهد. شاعران از این شیوه برای تازگی بیان خود استفاده کرده‌اند که این امر به مخیل بودن تشبیه، ابهام هنری و تازگی آن می‌انجامد. در بیت زیر، شب گیسو و روز نجات، تشبیه بلیغی هستند که شاعر آن دو را در داخل تشبیه دیگری به هم، مانند کرده است.

ای شب گیسوی تو روز نجات

آتش سودای تو آب حیات

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۲۲)

رطب در بیت زیر استعاره از شعر است که به پاره جان تشبیه شده است.

هر رطبی کز سر این خوان بود

آن نه رطب پاره‌ای از جان بود

(همان، ص ۴۱)

عبدی‌بیگ نیز، از این ساختارهای هنری در تشبیهات خود سود جسته است. در بیت زیر، شاعر ابتدا وهم را به شکل تشبیه بلیغ اضافی به صحرایی تشبیه می‌کند و سپس بادیه را به آن تشبیه نموده است.

بادیه پهن چو صحرای وهم

مانده ز مسّاحی او پای وهم

(عبدی‌بیگ، ۱۹۸۶، ص ۴۷)

در بیت زیر، کوه ستم، تشبیه بلیغی است که به ریگ تشبیه شده است. عبدی‌بیگ نخست، ستم را به کوه و باری دیگر جهت دوری از تکرار و به قصد نو کردن تشبیه، مجموع آنها را به ریگ بیابان تشبیه می‌کند.

کوه ستم ریگ بیابان او

ناوک غم خار مغیلان او

(همان، ص ۴۸)

چنانکه دیده می‌شود، ساختار تشبیهات این ابیات توسط هنر ابداع و نوآوری شاعر از ابتدال و کلیشه خارج شدند؛ که علاوه بر نوآوری، ابهام و خیال‌انگیزی دیگری ایجاد می‌کند و سبب دقت و تأمل بیشتر خواننده می‌شود. بسامد این نوع تصویرگری‌ها در مخزن‌الاسرار بیشتر است.

ذکر و حذف ادات و وجه‌شبه

تشبیهات با ذکر یا حذف ادات و وجه‌شبه به چهار دسته تقسیم می‌شوند: تشبیه مفصل که به همراه مشبّه و مشبّه‌به، ادات و وجه‌شبه نیز ذکر می‌شود. تشبیه مرسل یا مجمل که وجه‌شبه آن ذکر نشود. تشبیه مؤکّد که ادات در آن مذکور نیست و تشبیه بلیغ که بدون ذکر ادات و وجه‌شبه آورده شود. تشبیهاتی که در آن وجه‌شبه و ادات تشبیه حذف شود، هنری‌تر و خیال‌انگیزتر خواهد بود؛ نبودن وجه‌شبه و ادات، تشبیه را با دیریابی همراه می‌کند، خیال‌انگیزی و ابهام ادبی بیشتری در ذهن خواننده ایجاد می‌کند و او را به دقت و باریک‌نگری بیشتری وامی‌دارد.

تشبیه مفصل یا کامل‌الارکان

من که در این دایره دهر بند

چون گره نقطه شدم شهر بند

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۳۱)

اوست چو شمعی به‌هدایت دلیل

مده پروانه شمعش خلیل

(عبدی‌بیگ، ۱۹۸۶، ص ۱۷)

تشبیه مرسل

قصه شنیدم که به اقصای مرو

بود ملک‌زاده جوانی چو سرو

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۱)

ملک خداوند جهان آفرین

زو چو بهشتی است بروی زمین

(عبدی‌بیگ، ۱۹۸۶، ص ۱۴۵)

تشبیه مؤکّد

عقل تو پیرست فراموشکار

تا ز تو یاد آرد یادش بیار

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۳)

هر کلمه شمع از نور پاش

هر طرف اعراب چو پروانه‌هاش

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۴)

تشبیه بلیغ

جز تو فلک را خم دوران که داد

دیگ جسد را نمک جان که داد

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۷)

ساخته ام بهر تو داروی پند

گرچه که تلخست بود سودمند

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۳۷)

توجه نظامی و عبدی-بیگ به تشبیهات بلیغ، بیشتر از انواع دیگر است و بسامد بالایی دارد. ۶۷/۵٪ تشبیهات مخزن-الاسرار و ۵۵٪ از تشبیهات مظهرالاسرار از نوع تشبیهات بلیغ است. کاربرد این تشبیهات در شعر دو شاعر سبب مخیل تر شدن تشبیهات می شود و بر ابهام هنری و دیربایی آن می افزاید تا خواننده را به ژرف ساخت خود متمرکز کند. (جدول ۱)

جدول ۱: میزان فراوانی و درصد تشبیهات بلیغ، کامل،

مفصل و مرسل در دو اثر

تشبیه به اعتبار ارکان آن	مخزن الاسرار		مظهر الاسرار	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تشبیه بلیغ	۴۲۶	۶۷/۵	۳۷۴	۵۵٪
تشبیه کامل	۸۰	۱۲/۶	۷۰	۱۰٪
تشبیه مفصل	۱۵	۲/۴	۱۱۶	۱۷٪
تشبیه مرسل	۱۱۰	۱۷/۵	۱۲۰	۱۸٪
کل	۶۳۱	۱۰۰٪	۶۸۰	۱۰۰٪

از مجموع ۶۳۱ تشبیه در مخزن الاسرار، ۱۱۰ مورد دارای ادات و ۴۴۱ مورد بدون ذکر ادات آمده است. همچنین نویدی از ۶۸۰ تشبیه در مظهرالاسرار، ۱۲۰ مورد را با ادات و ۵۴۱ مورد را، بدون ادات تشبیه آورده است. (جدول ۱) از آنجا که «غرض اصلی از تشبیه عینیت بخشیدن است به دو چیزی که غیریت دارند و چون ادات حذف شود؛ عینیت به صورت محسوس تر و دقیق تر نمایانده می شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲، ص ۶۶)، آوردن ادات تشبیه نیز می تواند از مخیل بودن آن بکاهد. لیکن، نظامی ۷۰٪ از تشبیهات خود را بدون ذکر ادات

آورده است و ۷۳٪ از تشبیهات عبدی-بیگ نیز چنین است؛ که از نظر تعداد، این نوع تشبیهات، در مظهرالاسرار بیشتر است. از جهت حضور وجه شبه یا عدم ذکر آن در تشبیهات مخزن-الاسرار، از مجموع ۶۳۱ تشبیه، ۹۵ تشبیه به همراه وجه شبه آمده و در ۵۳۶ مورد وجه شبه مذکور نیست. عبدی-بیگ نیز، از مجموع ۶۸۰ تشبیهی که در مظهرالاسرار آورده است، در ۱۸۶ مورد وجه شبه را ذکر کرده و در ۴۹۲ مورد وجه شبه ذکر نشده است. می دانیم که، «وجه شبه عامل اصلی و اساسی فعال نمودن ذهن خواننده و مشارکت دادن وی در جریان آفرینش است» (رضایی جمکرانی، ۱۳۸۴، ص ۹۱) به طوری-که عدم ذکر وجه شبه سبب تازگی بیان می شود، ذکر آن از مخیل بودن و لطافت تشبیه کم می کند و فرصت دقت در کشف رابطه طرفین تشبیه و خیال پردازی را از مخاطب می گیرد. این در حالی است که در تشبیه مرسل و بلیغ، مخاطب با فعال کردن قوه تخیلش پیوند و رابطه بین دو طرف مشبه و مشبه به را کشف می کند و این لذتی مضاعف برای او به وجود می آورد. بنابراین تشبیهاتی که وجه شبه آن ذکر نشود، هنری تر و خیال انگیزتر خواهند بود. در این میان نظامی ۸۵٪ و عبدی-بیگ ۷۳٪ از تشبیهات را بدون ذکر وجه آورده اند و بر مخیل بودن آنها افزوده اند. (جدول ۱)

ساختار تشبیهات، بر زبان شعری هر دو شاعر، تأثیر گذاشته است. نظامی برای خیال انگیز کردن کلام و در نتیجه دیربایی و پیچیدگی زبان شعریش از تشبیه بلیغ و مرسل استفاده کرده است، درحالی که کلام عبدی-بیگ این گونه نیست و زبان شعر او قابل فهم است. زبان شعری مظهرالاسرار به دلیل بسامد زیاد تشبیهات مفصل از سادگی و وضوح بیشتری برخوردار است. اگر در مظهرالاسرار مقداری بیشتر گرایش به تشبیه مفصل دیده شود به دلیل روایت گری و معنی-پردازی شاعر است. نویدی معانی بلند و انتزاعی خود را با بهره گیری از تشبیهات مفصل و ذکر وجه شبه برای مخاطب دریافتی و ملموس می کند. ذکر وجه شبه به عنوان یک راهنما عمل کرده، مخاطب را در دریافت شباهت ایجاد شده یاری می رساند.

وجه شبه از امور و موضوعات مختلف اخذ می شود و ممکن است هم به محسوسات ناظر باشد و هم به امور معنوی. وجه شبه نقطه تلاقی ذهن شاعر با طبیعت بیرون و درون است. موضوع وجه شبه می تواند، رنگ ها، اشکال، ابعاد و غیره باشد که شاعر را در آفرینش تشبیه و اخذ وجه شبه یاری کند. نظامی و عبدی-بیگ بیشتر وجه شبه خود را از حس بینایی و احوال انسانی، حرکت، فضا، شکل و رنگ گرفته اند و تمایز خاصی از این بابت در آنها دیده نمی شود. از میان این تشبیهات به چند مورد با محوریت شکل و رنگ در وجه شبه می پردازیم:

وجه‌شبهه با محوریت شکل و ظاهر مشبه و مشبه‌به:

در صف ناوردگه لشکرش

دست علم بود و زبان خنجرش

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۲۱)

تشبیه دست به علم از نظر شکل ظاهری روشن است. نظامی در تشبیه زبان به خنجر علاوه بر برندگی، شکل آن دو را نیز مد نظر داشته است.

از کرمش تیر شده خوشه چین

آمده با رحل دو پیکر قرین

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۹)

عبدی-بیگ، برج دو پیکر را از نظر شکل و ظاهر، به رحل، تشبیه کرده است.

من بچنین شب دلی از درد پر

ریخته سیاره-وش از دیده دُر

خانه پر آتش ز دل و من برو

با قد خم حلقه شده همچو مو

(همان، صص ۳۸ و ۳۹)

ساخته در حقه لعل دهان

ذایقه را جوهر تیغ زبان

(همان، ص ۸)

در تشبیه اول، عبدی-بیگ، دُر که استعاره‌ای است از اشک از نظر شکل به سیاره و در بیت دوم، قد خمیده خود را به مو تشبیه می‌کند که وجه شباهت آن از نظر شکل ظاهری روشن است. در بیت سوم نیز، زبان را در برندگی و شکل آن، به تیغ مانند کرده است.

وجه‌شبهه با محوریت رنگ مشبه و مشبه‌به:

در شب و گیسو رنگ سیاه وجه شباهت است:

ای شب گیسوی تو روز نجات

آتش سودای تو آب حیات

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۲۲)

عبدی-بیگ دو رنگ بودن و سیاهی و سفیدی را در این تشبیه لحاظ کرده است.

بسته ره سیر تو و کرده تنگ

از شب و از روز طنابی دو-رنگ

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۸۹)

در تشبیه دوات به ظلمات، به رنگ سیاه آنها نظر دارد.

خضر قلم در ظلمات دوات

یافته است از سخن آب حیات

(همان، ص ۱۶۰)

از ویژگی‌های تشبیهات نظامی و عبدی-بیگ، آوردن یکی از طرفین تشبیه است همراه با وجه‌شبهه به شکل صفت هنری که سبب تغییر بافت ظاهری تشبیه شده است؛ صفتی که به همراه مشبه یا مشبه‌به آورده می‌شود، ویژگی‌های آن را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که شاعر، صفت مذکور یا همان وجه شبه را از کدام طرف تشبیه (مشبه و مشبه‌به) گرفته است.

عقل تو پیریست فراموشکار

تا ز تو یاد آرد یادش بیار

گشته دلم بحر گهر ریز تو

گوهر جانم کمر آویز تو

(نظامی، ۱۳۹۵، صص ۳۸ و ۱۴۳)

نظامی صفت فراموشکاری را برای پیر، گهرریزی را برای بحر آورده است که هر کدام از صفت‌ها نقش وجه‌شبهه را نیز ایفا می‌کنند.

کنگر قصر جبروتش بلند

عقل بدانجا نرسانده کمند

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۵)

عبدی-بیگ صفت بلند را برای کنگر قصر آورده است که نقش وجه‌شبهه را دارد.

تشبیهات از نظر ساختمان

در بررسی ساختمان تشبیه که بخشی فرعی است تشبیهات از لحاظ شکل ظاهری مورد بررسی قرار می‌گیرد. این بررسی شامل مواردی از قبیل چینش و نظم و ترتیب مشبه و مشبه‌به‌ها و تعدد هر یک می‌تواند متنوع باشد. در ابیات زیر فهرست‌وار به چند مورد پرکاربرد اشاره می‌شود:

مفروق: در این شکل تشبیه، چند مشبه و مشبه‌به وجود دارد و هر مشبه با مشبه‌به خود همراه است. عبدی-بیگ به مانند نظامی، از میان اشکال تشبیه به نوع مفروق آن، عنایت بیشتری داشته است.

رشته جان بر جگرت بسته اند

گوهر تن بر کمرت بسته اند

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵)

هست سخن جان و جهانست تن

هست سخن جان جهان بی سخن

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۱۶۰)

ملفوف: این تشبیه مبتنی است بر حالت لف و نشر و در آن، حداقل دو مشبه، ذکر می‌شوند و سپس، مشبه‌به‌های هر کدام در ادامه به صورت مجزاً می‌آیند.

از پی نقلان می بوسه-خیز

چشم و دهان شکر و بادام ریز

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۶۲)

از دو رگ گردن و تیغ زبان

آمده در جنگ بتیغ و سنان

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۱۳۸)

■ تشبیه جمع: در تشبیه جمع برای یک مشبه، چند مشبه به آورده می شود.

گرم شو از مهر و ز کین سرد باش

چون مه و خورشید جوانمرد باش

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۸۳)

سیم و زری جز رخ و اشک ارچه نیست

لیک زر و سیم معانی بسی است

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۱۷۲)

■ تسویه: در این تصویر خیالی، شاعر چند مشبه را به یک مشبه به مانند می کند.

چون ملک العرش جهان آفرید

مملکت صورت و جان آفرید

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۴۸)

هم رخت آیینه و هم خاطرت

باطنت آراسته چون ظاهرت

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۵۱)

پس از بررسی کامل تشبیهات نظامی و عبدی-بیگ از لحاظ شکل، باید گفت که توجه دو شاعر به تشبیه مفروق بیشتر است؛ این قسم تشبیه در شعر دو شاعر بسیار مکرر و فراوان است و از ویژگی های تشبیهات آنها محسوب می شود. این تشبیهات از جهت عدم ذکر ادات و وجه شبه، همان تشبیهات بلیغ اضافی هستند، به شکل مفروق ظاهر شده اند. تشبیهات بلیغ و مفروق در دو اثر بسامد بالایی دارند.

تشبیه مفرد و مرکب

تشبیه غالب در دو اثر را باید تشبیه مفرد دانست. حدود ۹۸٪ تشبیهات مخزن الاسرار و ۹۱٪ تشبیهات مظهر الاسرار مفرد است و تنها چند درصد را تشبیه مرکب تشکیل می دهد. میزان تشبیهات مرکب در مظهر الاسرار بیشتر از مخزن الاسرار است.

دامن من پُر ز دل داغدار

پُر ورق لاله شده لاله-زار

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۴۲)

تیغ در آن معرکه از رنگ خون

سرخ چو در کوره آتش درون

(همان، ص ۷۱)

هر دو شاعر بیشتر به ساختن تشبیه مفرد گرایش دارند. «گویا اختیار بحر سریع و سه لختی شدن هر دو مصراع برای آوردن تشبیه مفرد و بلیغ سازگارتر است» (نبی لو و شیروی، ۱۳۸۹، ص ۵۶)، این مطلب نشانگر آن است که محدودیت وزنی شعر (بحر سریع) مانع استفاده بیشتر از تشبیهات مرکب شده است. برای مثال، در ابیات زیر خوش نشستن تشبیهات بلیغ و مفرد در جای ارکان عروضی را می توان مشاهده کرد:

جز تو فلک را خم چوگان که داد

دیگ جسد را نمک جان که داد

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۷)

ماه رخس پرتو احسان فکند

رایت اسباط ازو شد بلند

کوه ستم ریگ بیابان او

ناوک غم خار مغیلان او

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، صص ۱۵ و ۴۸)

تشبیهات مشترک (ابتکار و تقلید در تشبیهات عبدی-بیگ)

با توجه به بررسی های انجام شده از میان، ۶۳۱ تشبیه نظامی و ۶۸۰ تشبیه عبدی-بیگ، تنها ۲۰ تشبیه مشترک است که عبارتند از، انسان به گل، سخن به در، سخن به جان، جان به رشته، سخن به مرغ، انسان به مگس، آدم به گل، مردم به غنچه، دل به دریا، گوش به صدف، دل به آینه، سخن به میزان و ترازو، سخن به آب، زمین به گوی، جهان به باغ، لاله به مجمره، عشق و سودا به آتش، بهشت به باغ، مازاغ به سرمه.

رشته جان:

رشته جان بر جگرت بسته-اند

گوهر تن بر کمرت بسته-اند

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵)

رشته جان را بود از عقل تاب

کشته دل را بود از نطق آب

(عبدی-بیگ، ۱۹۸۶، ص ۱۶۰)

مرغ سخن:

باغ سخا را چو فلک تازه کرد

مرغ سخن را فلک آوازه کرد

(نظامی، ۱۳۹۵، ص ۵)

عرش بود فرش سخن گستران

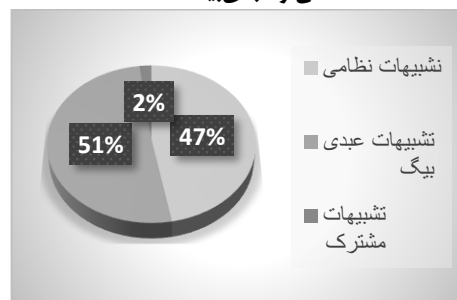
مرغ سخن راست نشیمن بر آن

(عبدی بیگ، ۱۹۸۶، ص ۱۶۰)

با توجه به (نمودار ۳) دریافته می‌شود که از کل ۱۳۱۱ تشبیه در دو اثر، تنها ۲٪ از تشبیهات عبدی بیگ شبیه به تشبیهات نظامی است و ۹۸٪ از تشبیهات او مشابهتی با تشبیهات نظامی ندارد. همچنین معلوم می‌گردد، که نظامی ۴۷٪ از کل تشبیهات را در ۲۲۵۴ بیت و عبدی بیگ ۵۱٪ از کل تشبیهات را در ۲۹۹۰ بیت پدید آورده‌اند. یعنی نظامی در هر ۳/۶ بیت یک تشبیه به کار برده، ولی در شعر عبدی بیگ در هر ۵ بیت یک تشبیه به کار رفته که نشان‌دهنده میزان تراکم تشبیهات ابیات نظامی و تصویرگری او نسبت به عبدی بیگ است. بدیهی است که منظومه عبدی بیگ دارای ابیات بیشتری است و دامنه تشبیهات وی نیز گسترده‌تر است؛ اما نظامی با وجود ابیات کمتر تشبیه سازتر و تصویرگرتر از عبدی بیگ است.

نمودار ۳: درصد تشبیهات غیرمستترک و مستترک

نظامی و عبدی بیگ



نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث ارائه شده در مقاله (نمودار ۱)، نظامی و عبدی بیگ در مشبیه‌های تشبیهات خود از عناصر سازنده صور خیالی چون: «انسان و اوصاف انسانی» و «مفاهیم مجرد و انتزاعی» بیشترین بهره را برده‌اند. انسان و ویژگی‌های او موضوعی است که بخش قابل توجهی از مشبیه‌های دو شاعر را به خود اختصاص داده است. نظامی ۵۵/۶٪ و عبدی بیگ ۲۵٪ از مشبیه تشبیهات خود را از این موضوع اخذ کرده‌اند. نظامی اوصاف انسانی را بیشتر از عبدی بیگ آورده. عبدی بیگ بیشتر از نظامی مفاهیم مجرد و انتزاعی را مورد نظر قرار داده است. این موضوع با ۱۲٪ در مخزن‌الاسرار و ۲۸٪ در مظهرالاسرار کاربرد دارد. در مرتبه بعد، موضوعات «اجرام آسمانی»، «طبیعت» و «اشیا» در مشبیه تشبیهات بیشترین نمود را دارد. در میان مشبیه تشبیهات نیز «اشیا و ابزار» بیشتر مورد نظر دو شاعر

بوده است. نظامی در ۳۰٪ و عبدی بیگ ۲۲٪ از تشبیهات خود، از این دسته مشبیه به استفاده کرده‌اند. پس از آن، «اوصاف انسانی»، «طبیعت و رستنی‌ها» بیشترین نمود را در مشبیه تشبیهات دارد. (نمودار ۲) از نظر زاویه تشبیه و نو و کهنگی آن، تشبیهات در اشعار نظامی نسبت به عبدی بیگ بازتر و هنری‌تر است و نظامی از عبدی بیگ مبدع‌تر است؛ در مجموع ۹٪ از تشبیهات نظامی و ۵٪ از تشبیهات عبدی بیگ نو و ابداعی و سایر موارد تکراری هستند. هر دو شاعر ساختار تشبیهی خاصی دارند که یکی از طرفین تشبیه، استعاره یا یک ترکیب تشبیهی می‌باشد که باعث خیال‌انگیزی کلام شده است. همچنین هر دو شاعر برای آنکه تشبیهاتشان را از تکرار و ابتذال برهانند، سعی کرده‌اند که وجه‌شبه‌های حاصل از طرفین تشبیه را در مواردی نو و تازه در نظر بگیرند و یا اینکه از ذکر وجه‌شبه خودداری کنند که این امر از جدول (۱) نیز برمی‌آید؛ چرا که بیش از نیمی از تشبیهات نظامی (۶۷/۵٪) و عبدی بیگ (۵۵٪) از نوع بلیغ (بدون ذکر وجه‌شبه و ادات) می‌باشد؛ تشبیهات مرسل به طور مشترک در دو اثر در رتبه بعد قرار دارد و پس از آن نظامی به تشبیه کامل و عبدی بیگ به تشبیه مفصل علاقه بیشتری دارند که عبدی بیگ با استفاده از تشبیهات مفصل بسیاری از مفاهیم و معانی عقلی، انتزاعی و معنوی را برای مخاطب دریافتی و ملموس می‌کند. (جدول ۱) ساختار شکلی تشبیهات دو شاعر نشان می‌دهد که از انواع مختلفی در شعر خود بهره جست‌ه‌اند و به آوردن تشبیه بلیغ و مفروق بیشتر تمایل دارند. این پژوهش همچنین ثابت می‌کند گرایش هر دو شاعر به تشبیهات حسی به حسی و عقلی به حسی، تشبیهات گسترده و مفرد بیشتر است. بعد از بررسی و تحلیل بحث تشبیه دو اثر، معلوم می‌گردد که نظامی با وجود ابیات کمتر نسبت به عبدی بیگ، تشبیه سازتر و تصویرگرتر است. زیرا نظامی این مقدار تشبیه را در ۲۲۵۴ بیت پدید آورده و عبدی بیگ در ۲۹۹۰ بیت که نشان‌دهنده تراکم تشبیه و تصویرگری نظامی نسبت به عبدی بیگ است.

پی‌نوشت

در ارجاعات نمونه‌ها در طرفین تشبیه، تنها به ذکر شماره صفحه در دو اثر اکتفا شده است.

منابع

الف) کتاب‌ها

اسکلتن، رابین (۱۳۷۵)، حکایت شعر، ترجمه مهرانگیزاوحدی، تهران، میترا.

قیروانی، ابن رشیق (۱۹۸۸)، العمده فی محاسن الشعر وآدابه، بیروت، دارالمعرفه.

قیس رازی، شمس (۱۳۷۳)، المعجم فی معاییر اشعار العجم، به کوشش سیروس شمیسا، تهران، فردوس.

کزازی، میر جلال الدین (۱۳۸۹)، بیان، ۹، تهران، مرکز.

نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف (۱۳۹۵)، مخزن الاسرار، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی و به کوشش سعید حمیدیان، تهران، قطره.

(ب) مقالات

رضایی جمکرانی، احمد (۱۳۸۴)، «نقش تشبیه در دگرگونی سبکی»، دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره ۵، صص ۸۵-۱۴۰۰.

لامعی، مهرناز و سید محمود انواری و سعید فرزانه فرد (۱۳۹۹)، «مقایسه و تحلیل تشبیه و ساختار آن در اشعار فروغ و ابتهاج»، دو فصلنامه بلاغت کاربردی، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۷۷-۱۸۶.

نبی لو، علیرضا و مصطفی شیروی (۱۳۸۹)، «مقایسه ساختار تشبیهات مخزن الاسرار و مطلع الانوار»، فنون ادبی، دوره ۲، شماره ۲، صص ۳۵-۶۲.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

براهنی، رضا (۱۳۷۱)، طلا در مس، ۳، تهران، نویسنده.

پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴)، سفر در مه، تهران، زمستان.

تقوی، نصرالله (۱۳۱۷)، هنجار گفتار، تهران، مجلس.

تجلیل، جلیل (۱۳۷۶)، معانی و بیان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

خطیب قزوینی، جلال الدین محمد بن عبدالرحمن (۱۴۰۰)، الايضاح فی علوم البلاغه، بیروت، منشورات دارالکتب اللبنانی.

رادویانی، محمد بن عمر (۱۳۶۲)، ترجمان البلاغه، تصحیح احمد آتش، ۲، تهران، اساطیر.

زرین کو، عبدالحسین (۱۳۸۱)، شعربی دروغ شعربی نقاب، تهران، علمی.

سکاکی، ابویعقوب (۱۴۲۰)، مفتاح العلوم، بیروت، دارالکتب علمیّه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، صورخیال در شعر فارسی، ۵، تهران، آگاه.

شمیسا، سیروس (۱۳۷۳)، کلیات سبک‌شناسی، تهران، فردوس.

(۱۳۸۷)، بیان، ۳، از ویراست دوم، تهران، میترا.

معانی و بیان، ۳، از ویراست سوم، تهران، میترا.

عبدی بیگ شیرازی، زین العابدین علی (۱۹۸۶)، مظهر الاسرار، تصحیح و مقدمه ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف، مسکو، دانش.

علوی مقدم، محمد و رضا اشرف زاده (۱۳۸۷)، معانی و بیان، ۸، تهران، سمت.

Reference in English

Books

Skelton, R. (1996). The story of the poem, Trans by mehrangiz ohadi. Tehran: mitra Publication. [in Persian]

Baraheni; R. (1992). Gold in Copper, Volume 3, Tehran, Authors' Publishin. [in Persian]

Purnamdarian. T. (1995). Travel in fog. Tehran: zemestan published. [in Persian]

Taqavi, N. (1938). The norm of speech. Tehran: majles published. [in Persian]

Tajlil, j. (1997). Figurative Rhetoric and Language. Tehran: University Publication Center. [in Persian]

Khatib qazvini, j. (1400 A.H). Explanation in rhetoric sciences. Beirut: Manshurat dar Al-kotob Al-lobnani. [in Persian]

Radooyani, M. (1983). Tarjoma Al-blaqe Edited by ahmad Atash, (2 th ed). Tehran: Asatir Published. [in Persian]

Zarin koob, A. (2002). Right poem, unmasked poem. Tehran: Elmi Published. [in Persian]

Sakkaki, A. (1937). The key to knowledge. Beirut: Dar al-kotob Elmiye. [in Arabic]

Shafie Kad kani, M. (1993). Fiction in Persian poetry, (2 th ed). Tehran: Agah Published. [in Persian]

Shamisa, S. (1994). Stylistics. Tehran: Ferdows Publication. [in Persian]

Shamisa, S. (2008). Rhetoric. (3 th ed of the second edition). Tehran: Mitra Publication. [in Persian]

- Shamisa, S. (2008). *Figurative Rhetoric and Language*. (3 th ed of the third edition). Tehran: Mitra Publication. [in Persian]
- Abdi Beig, Z. (1986). *Mazhar Al-asrar*, with corrections and introduction by Hashem oghli Rahimof, Moscow: Danesh Publication. [in Persian]
- Alavi, M. & Ashrafzade, R. (2008). *Figurative Rhetoric and Language*. (8 th ed). Tehran: Samt Publication. [in Persian]
- Qirvani, E. (1988). *Al-omde Fi Mahase sher va Adab* Beirut: Dar Al-marefat. [in Arabic]
- Kazzazi, M. (2010). *Rhetoric*. (9 th ed). Tehran: Markaz Publication. [in Persian]
- Gheis Razi, S. M. G. (1994). *Al-mu'ajm fi ma'ayir Al-ajam poems*, by Sirus Shamisa. Tehran: Ferdows Publication. [in Arabic]
- Nezami, E. (2016). *Makhzan-Al Asrar*, with corrections and margins by Hassan Vahid Dastgardi, with the effort of Saeed Hamidian. Tehran: Qatreh Publication. [in Persian]
- Articles**
- Rezaei Jamkarani, A. (2006). The role of simile in stylistic variety change. *Research in persian Language and Literature*, 5, 85-140. [in Persian]
- Lamei, M. & Anvari, M. & Farzaneh Fard, S. (2020), "Comparison and Analysis of Simile and its Structure in the Poems of Forough and Ebtehaj," *_Do Faslname-ye Balaghat-e Karbordi_ [Journal of Applied Rhetoric]*, Year 5, No. 2, pp. 177-186.
- Nabilou, A. & Shiravi, M. (2011). The Comparing of structure of Makhzan Al-asrar's & Matla Al-anwar's simile. *Literary Techniques*, 2(2), 35-62. [in Persian]